یادداشت

تخصص؛ گمشده دولت

ادامه از صفحه اول

آیا هرگز به جریان اقتصادی و صنعتی کشور نگاه نینداخته‌ایم که از خود بپرسیم شبکه استخراج تصفیه و توزیع گاز را چه کسانی انجام می‌دهد؟ مگر آنها متخصص و مجری قوی نیستند؟ آیا هرگز جریان شبکه تولید و توزیع برق کشور را ننگریسته‌ایم که بدانیم آنچه در آن می‌گذرد حاصل تخصص و اجرای قوی کارگزاران آن است؟ آیا هرگز به عملیات اکتشاف، استخراج و تولید و تصفیه نفت و تولید پتروشیمی در کشور توجهی نکرده‌ایم تا بدانیم به‌جز حضور انسان‌های متخصص و باکفایت، اجرای چنین امر سترکی ممکن نیست؟ پس چگونه همه اینها را داریم و می‌گوییم مجری نداریم و بعد به سراغ آدم‌های با کیلومتر صفر اجرا و البته کیلومتر صفر تخصص و درک برنامه می‌رویم و معلوم است که حاصل آن می‌شود برنامه تولید سه میلیون دستگاه خودرو بنزینی در برنامه پیشرفت هفتم و اصرار بر افزایش قیمت بنزین برای بهینه‌سازی با وجود پنج صفحه قانون مندرج در برنامه هفتم و به‌جای تدبیر در اندیشمندکردن عناصر اجرایی صنعتی و خدماتی برای کاهش مصرف برق و گاز، یکباره صورت‌مسئله را پاک و برای دو یا سه روز برق و گاز کارخانه‌ها را قطع می‌کنیم تا هم به عناصر انسانی لطمه بخورد و هم تولید کم و هم ضایعات و هزینه‌ها زیاد شود. اینکه شرایط خاصی در کشور وجود دارد و اینکه رئیس‌جمهور در فشار زایدالوصفی قرار دارد، قابل انکار نیست و اتفاقا در این شرایط است که انسان‌های قابل، کارآزموده، خوش‌اندیش و فارغ از وابستگی‌های گروهی و فقط دارای عرق ملی بیشتر به کار می‌آیند. به نظر می‌رسد آقای رئیس‌جمهور کمی از خاصیت لج‌بازی برخوردار باشد و الا اشتباهات خود در انتصاب افراد را می‌پذیرفت. اگر انسان‌ها شایستگی اجرای کاری را نداشته باشند ادامه کار آنها خُسران و زیان به بار می‌آورد. چه اصراری به ادامه کار آدم‌های صفر کیلومتر یا متوهم یا وابسته به گروه‌ها و افراد مخالف. باور کنید نتوانسته‌اید وفاق ایجاد کنید، زیرا طرف یا طرف‌های مقابل نمی‌خواهند. حکایت آن خواستگار دختر پادشاه است که گفت ازدواج ما ۵۰ درصد قطعی است، یعنی من قبول دارم ولی مانده آن طرف. اینک به‌جای آن آدم‌های وابسته ناتوان، آدم‌های غیروابسته کاری و اجرایی را به کار بگمارید و از اقدام به آنچه عمل شده و دستاوردی نداشته احتراز کنید. چرخ را نمی‌توان از نو اختراع کرد. تجربه، راه را میان‌بر و کوتاه می‌کند و از خسارت‌ها می‌کاهد. همه اینها که نوشتم و بارها هم نوشته‌ام در حمایت از رئیس‌جمهور و آرزوی موفقیت اوست و امید است رئیس‌جمهور نهج‌البلاغه‌دان این سخن مولا علی(ع) را که دولت شما آن است که نقد کند و نه تعریف، در نظر داشته باشند و در پیشگاه خداوند آنچه را که درست است انتخاب کنند و نه آنچه را که فکر می‌کنند جلال و جبروت ایشان را نشان می‌دهد.

نیویورک؛ فاصله میان دو آژیر

ادامه از صفحه اول

میان دو در

همین دوگانگی اکنون مهم‌ترین ویژگی صحنه است. از یک سو، زبان تهدید، فشار اقتصادی و بازدارندگی نظامی همچنان قدرتمند است و از سوی دیگر، مقام‌های دو طرف راه گفت‌وگو را به‌طور کامل نبسته‌اند. مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، گفته است واشینگتن برای گفت‌وگو با نمایندگان ایران در حاشیه مجمع عمومی آمادگی دارد، هرچند تاکنون هیچ دیداری برنامه‌ریزی نشده است. هم‌زمان، گزارشی که رویترز به نقل از یک مقام ارشد ایرانی منتشر کرده، حاکی از آن است که هیئت ایرانی در نیویورک، اختیار احیای مذاکرات را دارد و تهران درباره کاهش تنش از جمله درباره تنگه هرمز، از طریق میانجی‌ها پیشنهاد ارائه کرده است. این دو گزاره هنوز نشانه مذاکره نیست، اما از منظر مدیریت بحران نیز نمی‌توان آن را بی‌اهمیت تلقی کرد. میان نبود رابطه و رسیدن به توافق، منطقه وسیعی به نام دیپلماسی وجود دارد. انتقال پیام، روشن‌کردن خطوط قرمز، آزمودن پیشنهادها، ایجاد سازوکارهای جلوگیری از برخورد ناخواسته و یافتن کوچک‌ترین نقطه‌ای که بتوان بر سر آن توافق کرد.

حساب جنگ

دلیل اصلی آزمون چنین مسیری، نه‌تنها اخلاقی، بلکه اقتصادی و امنیتی نیز هست. پیش از آغاز جنگ در ۲۸ فوریه، تنگه هرمز روزانه پذیرای حدود ۱۲۵ کشتی بزرگ تجاری بود و نزدیک به یک‌پنجم عرضه روزانه نفت خام و گاز طبیعی مایع جهان از این مسیر عبور می‌کرد. داده‌های مقدماتی کشتیرانی نشان می‌دهد در یکی از روزهای اخیر، فقط دو کشتی حامل کالا از تنگه عبور کرده است؛ هرچند این رقم آمار کشتی‌هایی که سامانه شناسایی خود را خاموش کرده‌اند، لزوما دربرنمی‌گیرد. بازار انرژی نیز نسبت به کوچک‌ترین نشانه‌های کاهش تنش، حساس شده است. اعلام آمادگی مشروط تهران برای بازگشایی کامل‌تر هرمز، همراه با افزایش ظرفیت مسیرهای جایگزین عربستان، در همان روز به کاهش قیمت نفت کمک کرد و بهای نفت برنت را به پایین‌ترین سطح دو هفته رساند. این ارقام یک پیام ساده دارد: جنگ ایران و آمریکا مدت‌هاست فقط مسئله تهران و واشینگتن نیست. هزینه آن به بنادر، شرکت‌های کشتیرانی، بازار بیمه، تولیدکنندگان انرژی و در نهایت مصرف‌کننده‌ای منتقل می‌شود که شاید هزاران کیلومتر از خلیج فارس فاصله دارد. در آمریکا نیز هزینه مستقیم عملیات نظامی، براساس برآورد فرماندهی مرکزی این کشور تا اوایل سپتامبر، به ده‌ها میلیارد دلار رسیده است. در ایران، جنگ با تخریب زیرساخت‌ها، اختلال اقتصادی و جابه‌جایی گسترده شهروندان همراه شده؛ کمیسارياي عالی پناهندگان سازمان ملل با استناد به داده‌های دولتی ایران گزارش کرده است صدها هزار خانوار در مقاطعی ناچار به ترک موقت خانه‌های خود شده‌اند. این ارقام به‌تنهایی درباره مسئولیت سیاسی یا حقوقی جنگ حکم صادر نمی‌کند، اما این مسئله را روشن می‌کند که ادامه منازعه بدون هزینه نیست؛ صورت‌حساب جنگ فقط با دلار نوشته نمی‌شود، پیامدهای آن بسیار فراتر از ساختارهای نظامی و دفاعی است.

حافظه سنگین

اما هزینه بالا به‌تنهایی صلح نمی‌آورد؛ اگر چنین بود، بسیاری از جنگ‌های تاریخ خیلی زودتر پایان می‌یافت. مسئله ایران و آمریکا بر بستری از بی‌اعتمادی تاریخی شکل گرفته است. خروج واشینگتن از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵، بازگشت تحریم‌ها، اختلاف بر سر برنامه هسته‌ای ایران، نقش نیروها و گروه‌های مؤثر در تحولات امنیتی منطقه، حملات متقابل و شکست یا توقف دوره‌های گذشته مذاکره، برای هر دو طرف مجموعه‌ای از استدلال‌ها برای بدگمانی است. از نگاه تهران، پرسش بنیادی این است که چه تضمینی وجود دارد تعهدی که امروز پذیرفته می‌شود، فردا با تغییر سیاست آمریکا بی‌اثر نشود. از نگاه واشینگتن، مسئله اصلی آن است که چگونه می‌توان محدودیت‌های احتمالی بر برنامه هسته‌ای و دیگر تعهدات را به‌گونه‌ای قابل راستی‌آزمایی طراحی کرد. این دو نگرانی را نمی‌توان با شعار حل کرد. دیپلماسی زمانی جدی می‌شود که به‌جای مطالبه اعتماد کامل، سازوکاری ایجاد کند که حتی در نبود اعتماد نیز قابل اجرا باشد.

راهروهای نیویورک

ارزش مجمع عمومی سازمان ملل دقیقا در همین نقطه ظاهر می‌شود. سازمان ملل، قدرت تحمیل توافق میان تهران و واشینگتن را ندارد و مجمع عمومی نیز جایگزین مذاکرات مستقیم نیست، اما گردهمایی کم‌سابقه دیپلمات‌ها و مقامات سیاسی در سازمان ملل، یکی از معدود فرصت‌هایی است که ده‌ها رئیس دولت، وزیر خارجه و میانجی در چند ساختمان و چند خیابان متمرکز می‌شوند. سازمان ملل اعلام کرده است فقط برای استفاده از اتاق‌های مذاکرات دوجانبه در هفته جاری بیش از هزارو ۵۰۰ درخواست ثبت شده است. بسیاری از مهم‌ترین تحولات دیپلماتیک جهان نه پشت تریبون اصلی، بلکه در همین دیدارهای کوتاه، ملاقات‌های غیررسمی و انتقال پیام از طریق طرف‌های سوم آغاز شده‌اند. تماس ایران و آمریکا نیز الزاما نباید با دیدار رؤسای جمهور آغاز شود؛ مذاکره می‌تواند ابتدا میان دیپلمات‌ها، وزیران خارجه یا حتی از طریق میانجی شکل گیرد. گاهی ارزش چنین تماس‌هایی در توافقی که همان روز حاصل می‌شود نیست، بلکه در جلوگیری از سوءبرداشتی است که فردا ممکن است به یک حمله دیگر منجر شود.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

تشریفات کم‌سابقه «ترامپ» برای «شی» با تمرکز بر پرونده‌های تایوان و ایران

فرش قرمز برای رقیب

شرق: رئیس‌جمهور آمریکا برای سفر رسمی شی جین‌پینگ، رهبر چین، به واشینگتن، تشریفاتی کم‌سابقه تدارک دیده است، اما پشت فرش قرمز و ضیافت رسمی، اختلافی سخت بر سر تایوان قرار دارد؛ پکن خواهان توقف فروش تسلیحات آمریکایی است و جمهوری‌خواهان بر ادامه حمایت از تایپه تأکید می‌کنند. شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، روز گذشته برای سفری سه‌روزه و رسمی وارد واشینگتن شد؛ سفری که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از نخستین لحظه آن را با تشریفاتی کم‌سابقه آغاز کرد. ترامپ برخلاف روال معمول، در پایگاه مشترک اندروز شخصا به استقبال هواپیمای حامل شی رفت؛ اقدامی که برای نخستین سفر دولتی رهبر چین به آمریکا در بیش از یک دهه، نشانه توجه ویژه کاخ سفید به نمایش احترام و رابطه شخصی دو رهبر است. برنامه سفر نیز بر همین فضای تشریفاتی بنا شده است. شی و همسرش پنگ لی‌یوان، پس از ورود در مراسمی در پایگاه اندروز شرکت کردند. امروز مراسم استقبال رسمی در کاخ سفید و بازدید از نیروهای نظامی برگزار می‌شود و امشب، ضیافت رسمی دولتی با حضور چهره‌هایی از صنعت فناوری ازجمله جنسن هوانگ، مدیرعامل انویدیا و ایلان ماسک برگزار خواهد شد. جمعه نیز شی و پنگ با ترامپ و ملانیا ترامپ دیدار می‌کنند و سپس از آرشیو ملی آمریکا بازدید خواهند کرد. این نمایش تشریفاتی پاسخی به استقبال گسترده‌ای است که ترامپ در سفر ماه می خود به چین دریافت کرد. در آن سفر، فرش قرمز، گارد افتخار، گروه موسیقی نظامی و حدود ۳۰۰ نوجوان چینی با پرچم‌های دو کشور در فرودگاه پکن حضور داشتند. اکنون ترامپ سطح استقبال واشینگتن را با آن مراسم مقایسه می‌کند و در هفته‌های اخیر نیز از آماده‌شدن محل جدید فرود بالگرد در کاخ سفید برای سفر شی ابراز رضایت کرده است. با این حال، پشت این صحنه پرزرق‌وبرق، رابطه دو قدرت با اختلاف‌های جدی روبه‌رو است. تجارت، رقابت بر سر هوش مصنوعی، جنگ آمریکا با ایران و در رأس آنها تایوان در دستور کار قرار دارند. کاخ سفید امیدوار است سفر دست‌کم به حفظ «ثبات راهبردی» کمک کند، اما انتظار برای دستیابی به توافق‌های بزرگ پایین است. ترامپ در آستانه دیدار بارها از شی تمجید کرده و از رابطه گرم شخصی خود با او سخن گفته؛ رویکردی که در داخل حزب جمهوری‌خواه نیز بدون مخالفت نمانده است. راجر ویکر، سناتور جمهوری‌خواه ایالت می‌سی‌سی‌پی و رئیس کمیته نیروهای مسلح سنا، از آنچه «استقبال مجلل» از شی خوانده، انتقاد کرده است. او گفته با توجه به اختلاف‌های جدی واشینگتن با دولت چین، ترامپ نباید چنین دعوتی انجام می‌داد. ویکر خواسته است در گفت‌وگوهای دو رهبر، توسعه توان نظامی چین و حمایت پکن از ایران مطرح شود.

تایوان؛ گره اصلی دیدار

مهم‌ترین گره دیدار احتمالا تایوان خواهد بود. سه منبع آگاه از گفت‌وگوهای مقدماتی آمریکا و چین به رویترز گفته‌اند انتظار می‌رود شی از ترامپ بخواهد فروش تسلیحات آمریکایی به تایوان را بر اساس بیانیه مشترک سال ۱۹۸۲ متوقف کند. پکن تایوان را بخشی از قلمرو خود می‌داند و مسئله این جزیره را حساس‌ترین موضوع در روابط خارجی چین توصیف می‌کند. تایوان این ادعای پکن را رد می‌کند و آمریکا نیز با وجود نداشتن روابط دیپلماتیک رسمی با تایپه، بر اساس قوانین داخلی خود متعهد به فراهم‌کردن توان دفاعی لازم برای این جزیره است. گفته می‌شود چین در قبال پذیرش این خواسته از سوی واشینگتن احتمالا با موضع آمریکا علیه ایران همراهی بیشتری نشان خواهد داد. چین در استدلال خود به سومین بیانیه مشترک واشینگتن و پکن در سال ۱۹۸۲ استناد می‌کند. آمریکا در آن سند اعلام کرد قصد دارد به تدریج فروش تسلیحات به تایوان را کاهش دهد و به دنبال فروش بلندمدت سلاح به تایپه نیست. اما همان زمان رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در یادداشتی جداگانه تأکید کرد آمادگی واشینگتن برای کاهش فروش سلاح، کاملا به ادامه تعهد چین به حل مسالمت‌آمیز اختلافات با تایوان وابسته است. این اختلاف در تفسیر تعهدات ۱۹۸۲ اکنون دوباره در مرکز گفت‌وگوها قرار گرفته است.موضوع زمانی حساس‌تر می‌شود که فعالیت نظامی چین در اطراف تایوان طی پنج سال گذشته افزایش یافته است. ارتش چین تقریبا هر روز در اطراف جزیره فعالیت دارد و پکن رزمایش‌هایی ازجمله تمرین‌های همراه با شلیک موشک برگزار کرده است. وزارت خارجه چین در آستانه سفر شی بار دیگر اعلام کرده با فروش تسلیحات آمریکا به تایوان «قاطعانه مخالف» است و پایبندی به سه بیانیه مشترک و تعهدات قبلی واشینگتن را شرط ضروری برای توسعه باثبات روابط دو کشور می‌داند. در سوی مقابل، واشینگتن بر سیاست «چین واحد» خود تأکید دارد؛ سیاستی که بر اساس آن، آمریکا درباره حاکمیت تایوان موضع رسمی اتخاذ نمی‌کند و موضع پکن در قبال بخشی از چین‌بودن تایوان را تأیید نمی‌کند. هم‌زمان «شش تضمین» آمریکا به تایوان که در سال ۱۹۸۲ صادر و در ۲۰۲۰ از طبقه‌بندی محرمانه خارج شد، تصریح می‌کند که واشینگتن تاریخی برای پایان فروش سلاح به تایوان تعیین نکرده و با مشورت قبلی با پکن درباره این فروش‌ها موافقت نکرده است.

پرونده‌های تسلیحاتی

پرونده تسلیحاتی اکنون جنبه فوری هم دارد. دولت ترامپ در دسامبر بسته تسلیحاتی ۱۱ میلیارد دلاری برای تایوان را تصویب کرد که بزرگ‌ترین بسته از این نوع بوده است. بسته دوم به ارزش حدود ۱۴ میلیارد دلار ماه‌هاست متوقف مانده و ترامپ پس از نشست ماه می با شی در پکن گفت آن را در حالت تعلیق نگه داشته و از آن به‌عنوان «اهرم مذاکره بسیار خوب» یاد کرد. یک مقام کاخ سفید نیز گفته رئیس‌جمهور درباره بسته تازه در زمانی نسبتا کوتاه تصمیم خواهد گرفت. به گفته همان مقام، ترامپ در دوره نخست ریاست‌جمهوری خود بیش از هر رئیس‌جمهور دیگری فروش تسلیحات به تایوان را تصویب کرد و در نخستین سال دوره دوم نیز حجم مصوبات او از مجموع چهار سال دولت جو بایدن بیشتر بوده است. تایوان اعلام کرده تحولات مربوط به گفت‌وگوهای سطح بالای آمریکا و چین را از نزدیک دنبال می‌کند و ارتباط خود با واشینگتن را حفظ کرده است.

منابع رویترز می‌گویند خواسته پکن فقط توقف قراردادهای آینده نیست و چین از آمریکا خواسته تحویل سلاح‌هایی را که تایوان پیش‌تر سفارش داده نیز متوقف کند. یکی از منابع گفته شی احتمالا در گفت‌وگو با ترامپ تلاش خواهد کرد تایوان را عامل بی‌ثباتی در روابط دو کشور و طرفی معرفی کند که وضع موجود را تغییر می‌دهد. در مقابل، به گفته این منابع، پکن پیشنهاد کرده برای اعمال فشار بر ایران در ارتباط با جنگ خاورمیانه با واشینگتن همکاری کند. این موضوع هنوز در حد گفت‌وگوهای پشت پرده گزارش شده و نتیجه‌ای درباره آن اعلام نشده است. در آستانه نشست، شماری از جمهوری‌خواهان ارشد نیز از ترامپ خواسته‌اند موضع آمریکا در قبال تایوان تغییر نکند. پیت ریکتس، سناتور جمهوری‌خواه و رئیس زیرکمیته شرق آسیای کمیته روابط خارجی سنا، گفته واشینگتن باید روشن کند که اجازه تصرف تایوان با زور را نمی‌دهد و حمایت از تایپه ادامه خواهد یافت. جان مولنار، رئیس جمهوری‌خواه کمیته منتخب مجلس نمایندگان درباره چین نیز در نامه‌ای به ترامپ خواسته اعتراض پکن به فروش تسلیحات و همکاری امنیتی آمریکا با متحدان آسیایی رد شود.

با وجود این فشارها، انتظار نمی‌رود دیدار واشینگتن به توافقی اساسی درباره تایوان منجر شود. مت پاتینگر، معاون مشاور امنیت ملی در دولت نخست ترامپ، گفته انتظار اتفاق «ماهوی» در این پرونده را ندارد و پیش‌بینی کرده شی مانند دیدارهای گذشته مواضع چین در قبال تایوان را با تفصیل برای ترامپ تشریح کند. سفر سه‌روزه‌ای که با فرش قرمز، ضیافت رسمی و دیدار در آرشیو ملی همراه است، بنابراین آزمونی برای مدیریت رقابتی خواهد بود که دو طرف در عین تلاش برای جلوگیری از تشدید آن، در بنیادی‌ترین موضوعات امنیتی همچنان به شکلی جدی و پایدار فاصله زیادی با یکدیگر دارند.

امضای توافق امنیتی ایالات متحده با گرینلند و دانمارک

ایالات متحده قرار است توافقی را با رهبران گرینلند و دانمارک امضا کند که امکان حضور نظامی گسترده‌تر آمریکا در این قلمرو مهم قطبی را فراهم خواهد کرد. رئیس‌جمهور آمریکا در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک با مته فردریکسن، نخست‌وزیر دانمارک و ینس فردریک نیلسن، نخست‌وزیر گرینلند، برای مراسم امضای این توافق دیدار کرد. او اخیرا در پستی در تروث‌سوشال گفت این توافق به ایالات متحده «کنترل دائمی بر امنیت» گرینلند خواهد داد. ترامپ افزود: «به دستور من، ما با نمایندگان دانمارک و گرینلند همکاری کردیم تا تضمین کنیم که ایالات متحده برای همیشه توانایی کامل انجام هر کاری را که در گرینلند برای تأمین و دفاع از امنیت گرینلند و ایالات متحده آمریکا ضروری است، داشته باشد».

لارس لوکه راسموسن، وزیر خارجه دانمارک نیز در بیانیه‌ای گفت این هفته برای گرینلند، قلمرویی نیمه‌خودمختار و پادشاهی دانمارک هفته خوبی خواهد بود. وزیر خارجه دانمارک افزود: «امیدواریم دوران عدم اطمینان جای خود را به توافقی الزام‌آور بدهد که امنیت در قطب شمال و اقیانوس اطلس شمالی -و از این طریق امنیت مشترک ما در ناتو و اروپا- را تقویت کند و در عین حال به خطوط قرمز پادشاهی احترام بگذارد». ایالات متحده در حال حاضر نیروهای نظامی خود را در پایگاه فضایی پیتوفیک در شمال غربی این قلمرو مستقر کرده است. متن این توافق منتشر نشده است و هنوز مشخص نیست که آیا این توافق اصلاحیه‌ای بر پیمان دفاعی سال ۱۹۵۱ که مبنای قانونی حضور نظامی آمریکاست، خواهد بود یا چارچوبی کاملا جدید. پیمان سال ۱۹۵۱ آخرین بار در سال ۲۰۰۴ اصلاح شد.

گرینلند که در قرن هجدهم به تصرف دانمارک درآمد و تنها در سال ۲۰۰۹ به خودگردانی دست یافت، میان اسکاندیناوی و آمریکای شمالی قرار دارد و به برخورداری از منابع معدنی قابل‌توجه شناخته می‌شود. وسعت گرینلند سه برابر ایالت تگزاس است، اما تنها ۵۷ هزار نفر جمعیت دارد که بیشتر آنها در امتداد سواحل زندگی می‌کنند. در دوران جنگ سرد، ایالات متحده برای مقابله با تهدید شوروی ۱۷ تأسیسات در گرینلند داشت و بیش از ۱۰ هزار نیروی خود را در آنجا مستقر کرده بود، اما در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ کاهش درخور توجهی در این حضور ایجاد شد.

ترامپ از زمان بازگشت به کاخ سفید بارها گفته است که ایالات متحده باید «به منظور تأمین امنیت ملی»، گرینلند را خریداری یا به خاک خود ضمیمه کند، پیش از آنکه منافع روسیه یا چین در این منطقه تثبیت شود. گرینلند در مسیر آبراه‌های مهم، ازجمله مسیرهای کشتیرانی فراقطبی قرار دارد و سرشار از مواد معدنی حیاتی و عناصر خاکی کمیاب است. دولت دانمارک وعده داده است توانمندی‌های نظامی خود را در گرینلند تقویت کند، اما این اقدامات دولت ترامپ را راضی نکرده است. ترامپ در ماه ژانویه تهدید کرده بود که بر هشت کشور اروپایی که با تلاش‌های آمریکا برای تصاحب گرینلند مخالفت می‌کنند، تعرفه ۱۰درصدی اعمال خواهد کرد. ایالات متحده قصد دارد دو پایگاه نظامی بزرگ در گرینلند احداث کند. ترامپ این خبر را در جریان سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام کرد. او گفت: «از این پس، هیچ‌یک از دشمنان آمریکا هرگز اجازه نخواهند داشت در گرینلند حضور نظامی برقرار کنند یا بدون موافقت کتبی و صریح ما، سرمایه‌گذاری‌های حساس در آنجا انجام دهند».

یادداشت

آموزگار اعتدال و استاد خردورزی

به یاد مرجع عظیم‌الشأن و اندیشمند فرزانه، مرحوم آیت‌الله‌العظمی شبیری‌زنجانی

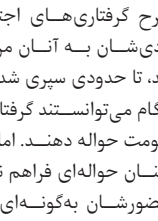

مصطفی ایزدی

در میان حوزه‌های علمی شیعی، علمای مذهبی بلندپایه‌ای قد برافراشته‌اند که در دوره‌های گوناگون زندگی‌شان، به اصولی وفادار مانده‌اند که این اصول در فرصت‌های مناسب، می‌تواند پناه مردم و مأوای کسانی باشد که زمانه، آنان را با رنج یا رنج‌هایی دمساز کرده است. اگر به پیشینه دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه سری بزنیم و به خاطر آوریم که پیش از برآمدن آنان در بلندای قدرت حکومتی، چه جایگاهی در میان مردم و جامعه داشتند، پی به ارزش‌هایی می‌بریم که چراغ فروزان آن، به مرور میل به کم‌سویی کرده و دامنه تأثیرگذاری آن، وسعت خود را می‌کاهد. آن زمان که علمای دین و حوزویان عالی‌مقام در حجره‌های خود یا در مساجد شهرها و روستاها، پذیرای مردمی بودند که برای شنیدن پاسخ پرسش‌های شرعی‌شان یا طرح گرفتاری‌های اجتماعی و اقتصادی‌شان به آنان مراجعه می‌کردند، تا حدودی سپری شده است. آن هنگام می‌توانستند گرفتاری‌ها را به حکومت حواله دهند. اما امروزه، زمینه چنان حواله‌ای فراهم نیست؛ چون حضورشان به‌گونه‌ای تعریف شده که دنیا و آخرت مؤمنین و مؤمنات در تدبیر و توان آنان است. اما در این میان، همچنان علما و بزرگانی یافت می‌شوند که گذشته خویش را با همان چراغ فروزان تا امروز امتداد داده‌اند. نه خود را به سکویی از قدرت رسانده‌اند و نه ورودی پایگاه خود را به روی گرفتاران بسته‌اند. یکی از این بزرگانی که هم در مقام قدرت علمی و هم در توجه به مردم و خواسته‌هایشان بر فرازی بلند و تحسین‌آمیز ایستاده بود، بامداد روز دوشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۵ به ملکوت اعلی پرواز کرد و به قرب رحمت الهی رسید. این مرد شریف و عزیز، آیت‌الله‌العظمی سیدموسی شبیری‌زنجانی بود که در این یادداشت مختصر، از دفتر زیست شرافتمندانه‌اش صفحه‌ای تقدیم می‌کنم.

گذری بر زندگی آیت‌الله شبیری‌زنجانی

سیدموسی شبیری (حسینی) فرزند آیت‌الله حاج سیداحمد زنجانی، به سال ۱۳۰۶ خورشیدی که مصادف بود با سال ۱۳۴۶ هجری قمری در شهر قم دیده بر جهان گشود. او کودکی را در دامان مادری مؤمن و پرهیزکار که از خاندان اصیل و معروف زنجان بود، گذراند و به مدرسه رفت. پدرش که از علمای شناخته‌شده حوزه قم و سال‌ها امام‌جماعت صحن بزرگ حضرت معصومه(س) و نیز امام‌جماعت مدرسه فیضیه بود، در تربیت سیدموسی سعی وافر داشت. سیدموسی در دبستان استعداد و پشتکار خود را نشان داد؛ از این‌رو پدر تصمیم گرفت او را به حوزه علمیه بیاورد تا از او انسانی متدین و فرهیخته بسازد. عشق سیدموسی نیز مطالعه، درس‌خواندن و تلاش برای فراگیری علوم اسلامی بود. ابتدای راه نزد پدرش بسیار آموخت و نزد معلمان دیگر نیز.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

www.sharghdaily.ir

برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودور نیسان جوک سفید مدل ۲۰۱۵
به شماره پلاک ۳۲۷۶۲ایران ۶۶
شماره شاسی JN1BF5ME4FT380562
و شماره موتور HR16024695D
به نام **سیده شهرزاد مهدوی** با کدملی ۲۷۰۰۲۰۰۹۰۱
مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو پژو خاکستری متالیک مدل ۱۳۹۱
به شماره پلاک ۱۵ایران ۸۶۷ی۹۳
شماره شاسی NAAM11CA5CE302608
و شماره موتور ۱۲۴۹۱۰۰۹۸۸۸
به نام **زهرا قربانی** با کد ملی ۱۳۶۲۷۷۳۹۹۹
در ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو ۲۰۶ سفید مدل ۱۳۹۷
به شماره پلاک ۶۸ایران ۹۹۸ل۶۵
شماره شاسی NAAP13FE8JJ674935
و شماره موتور ۱۷۴B۰۰۳۷۴۹۱
به نام **فاطمه حبیب پور** با کد ملی ۰۳۱۱۸۲۰۸۰۸
مفقود شده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی خودرو تیگو ۸ مشکی مدل ۱۴۰۲
به شماره پلاک ۶۳ایران ۲۱۶و۱۹
به نام **علی رسولی** با کد ملی ۲۵۶۰۲۷۸۳۲۴
در ۱۴۰۵/۰۷/۰۱مفقود شده
و فاقد اعتبار است.